

مقدمه

امروزه، پدیده «طلاق» به‌عنوان چالش اساسی جوامع مختلف مطرح است. گلیک، طلاق را بارزترین شاخص آشفتگی زناشویی می‌داند که برای بسیاری از افراد، تجربه دردناکی به بار می‌آورد (هنریان و یونسی، ۱۳۹۰). سست شدن بنیان خانواده و متلاشی شدن آن، آسیب‌های اقتصادی، اجتماعی، روانی گوناگونی را به دنبال دارد و زمینه بروز بحران‌های پیچیده اجتماعی را فراهم می‌سازد. ایالات متحده بالاترین نرخ طلاق در دنیا را دارد و حدود ۴۵ درصد از ازدواج‌ها در این کشور به طلاق منجر می‌شود (برون و لین، ۲۰۱۲، ص ۷۳۱). همچنین، آمارهای منتشره در دهه اخیر در کشور، از افزایش نرخ طلاق حکایت دارد. براساس آمارهای سازمان ثبت احوال در سال ۱۳۹۱، تعداد ۸۲۹ هزار و ۹۶۸ مورد ازدواج و ۱۵۰ هزار و ۳۲۴ مورد، طلاق به ثبت رسیده است (سازمان ثبت احوال کشور، ۱۳۹۲). از این رو، به منظور حفظ ثبات و پایداری خانواده و پیشگیری از پدیده طلاق، کشف علل و عوامل بروز طلاق و یافتن راهکارهای کاهش آن امری ضروری به نظر می‌رسد.

پژوهش‌های مختلفی در زمینه علل وقوع طلاق در داخل و خارج کشور صورت پذیرفته است. در پژوهش‌های انجام شده توسط برنز (۱۹۸۴)، کلیک و پیرسون (۱۹۸۵)، ولکات (۱۹۸۴) و نولر و همکاران (۱۹۹۷)، مهارت‌های ارتباطی ضعیف، خلق پایین و غمگین، کمبود عشق، ناسازگاری، خیانت، بیماری روانی، مشکلات عاطفی، تعارض در مورد نقش‌های زن و مرد و ویژگی‌های شخصیتهای همسران به عنوان دلایل طلاق عنوان شد. وایت (۱۹۹۰)، گلزر (۱۹۹۴)، ساراتناکوس (۱۹۹۴)، آماتو و راجرز (۱۹۹۷)، سال‌های اولیه ازدواج، همخانه بودن، حاملگی قبل از ازدواج، درآمد و تحصیلات پایین، طلاق والدین، عدم وجود ارزش‌های سنتی خانوادگی، ازدواج قبلی، و شغل زنان را از علل طلاق می‌دانند. دوینه و فورهند تعداد فرزندان در خانواده، حضور فرزندان مذکر در خانواده، سطح اضطراب - کناره‌گیری نوجوان و اختلال سلوک را از عوامل پیش‌بینی‌کننده طلاق می‌دانند. این عوامل مربوط به فرزندان است و سطوح پایین رضامندی زناشویی را پیش‌بینی‌کننده پتانسیل طلاق و آن هم پیش‌بینی‌کننده واقعه طلاق می‌دانند (دوینه و فورهند، ۱۹۹۶).

در بررسی دیگری بر روی ۱۶۵۰ استرالیایی مطلقه توسط ولکات و هاگنر از مجموعه مطالعات انجمن خانواده استرالیا در سال ۱۹۹۹، مشکلات ارتباطی بخصوص کیفیت عاطفی ارتباط، ناهماهنگی، خیانت، رفتارهای خشونت‌آمیز شامل خشونت فیزیکی با همسر و بچه‌ها، خشونت عاطفی و کلامی، اعتیاد به مواد و الکل، حسادت، برتری‌طلبی، عدم بلوغ و بیماری‌های

بررسی رابطه بین جهت‌گیری مذهبی و تماشای ماهواره با طلاق

محمد زارعی توپخانه / دانشجوی دکتری روان‌شناسی عمومی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه mohammad358z@yahoo.com

رحیم میردیکوندی / استادیار گروه روان‌شناسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

دریافت: ۱۳۹۲/۳/۵ - پذیرش: ۱۳۹۲/۸/۲۰

چکیده

هدف از این پژوهش، بررسی رابطه بین جهت‌گیری مذهبی و تماشای ماهواره با طلاق است. نمونه پژوهش، شامل ۲۶۲ زن و مرد متقاضی طلاق در شهر کرمانشاه است که در اسفند ماه ۱۳۹۱ با روش نمونه‌گیری در دسترس، به‌طور داوطلبانه در پژوهش شرکت کرده‌اند. ابزار پژوهش، پرسش‌نامه ۷۰ سؤالی جهت‌گیری مذهبی، مقیاس تک‌گویی‌ای تماشای ماهواره و پرسش‌نامه ۱۶ سؤالی طلاق است. پژوهش کمی از نوع همبستگی است. داده‌ها براساس ضریب همبستگی اسپیرمن و رگرسیون دو متغیره تحلیل شد. نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها نشان داد که بین جهت‌گیری مذهبی با طلاق رابطه منفی و معنادار وجود دارد. همچنین، بین تماشای ماهواره با طلاق، رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. همچنین جهت‌گیری مذهبی و تماشای ماهواره، می‌توانند ۱۳ درصد از واریانس طلاق را تبیین نماید. بر این اساس، ضعف پایبندی به مذهب و تماشای ماهواره موجب تشدید تعارضات زناشویی می‌گردد و احتمال وقوع طلاق را افزایش می‌دهد. یافته‌های مذکور همسو با بسیاری از پژوهش‌های داخلی و خارجی و براساس آموزه‌های اسلامی است.

کلیدواژه‌ها: مذهب، ماهواره، طلاق، تعارضات زناشویی.

جسمی و روحی (البته با برتری بیماری روحی) و «ناهماهنگی جنسی» را به‌عنوان علل طلاق بیان کردند (ولکات و هاگز، ۱۹۹۹). کونگ، نشان داد که اختلالات روانی مثل، افسردگی، وسواس و خصوصیات شخصیتی از عوامل طلاق و کاهش رضامندی زناشویی به شمار می‌آیند (کونگ، ۲۰۰۸). کونگ در پژوهش دیگری نشان داد که برخی صفات شخصیتی مثل درون‌گرایی - برون‌گرایی - احساسی، فکری و غیره، زوجین را مستعد طلاق و تعارضات زناشویی می‌کند. ضرورت است آموزش‌های لازم جهت آگاهی بخشی به زوجین در این زمینه به عمل آید (کونگ، ۲۰۱۰). در پژوهشی که توسط گایر بر روی ۴۰۲ مسلمان مطلقه در آمریکای شمالی انجام شد، دلایل طلاق به ترتیب اهمیت عبارت بودند از: ناسازگاری، خشونت شامل خشونت عاطفی، کلامی، فیزیکی و جنسی، سوء استفاده مالی، دخالت خانواده و خیانت (گایر، ۲۰۱۰، ص ۹۵۹). نتایج پژوهش برون و لین، بر روی ۵۰ ساله‌ها نشان داد که خصوصیات جمعیت‌شناختی، منابع اقتصادی و گذشته زناشویی با وقوع طلاق در ارتباط بوده است (برون و لین، ۲۰۱۲). همچنین نرخ طلاق در افرادی که ازدواج‌های مجدد داشته‌اند، ۲/۵ برابر بیش از افرادی است که ازدواج اولشان است. درحالی‌که هر اندازه مدت زندگی زناشویی بیشتر می‌شود، نرخ طلاق کاهش می‌یابد. دیسنی و همکاران با پژوهش بر روی ۲۴۱ نفر در سنین ۵۵ تا ۶۴ سال به بررسی رابطه بین اختلالات ده‌گانه شخصیت و علل طلاق پرداختند (دیسنی و همکاران، ۲۰۱۲، ص ۹۵۹). تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داد، اختلال شخصیت پارانوئید و اختلال شخصیت نمایشی با تعدادی از طلاق‌ها رابطه مثبت و معنادار دارد. یافته‌های هلرستین و همکاران نشان می‌دهد تکرار طلاق بیشتر در میان زنانی اتفاق می‌افتد که تازه ازدواج کرده و سطح تحصیلاتشان پایین است (هلرستین و همکاران، ۲۰۱۳، ص ۶۸).

از سوی دیگر، پژوهش‌های داخلی هم عوامل گوناگونی را برای طلاق یان نموده‌اند. یافته‌های باریکانی و همکاران در قزوین نشان می‌دهد که عدم رعایت ملاک‌های صحیح انتخاب همسر، نیازهای عاطفی برآورده نشده، دخالت خانواده و وابستگی به خانواده از مهم‌ترین عوامل طلاق به شمار می‌روند. عوامل فیزیکی مثل ناباروری زنان و مشکلات جنسی در رتبه‌های پایین‌تری قرار دارند (باریجانی و همکاران، ۲۰۱۲، ص ۱۸۴). حکیم و زاهدی‌فر (۱۳۸۹)، عوامل زمینه‌ساز طلاق را از دیدگاه قرآن بیان کرده‌اند که عبارتند از: روابط جنسی ناسالم، هم‌کفو نبودن، عدم پایبندی به مذهب، ضعف مهارت‌های ارتباطی، اختلالات اخلاقی - رفتاری، اضطراب‌های موردی، بی‌علاقگی،

تهمت‌های ناروا. هنریان و یونسی (۱۳۹۰)، با پژوهش در دادگاه‌های خانواده تهران، مهم‌ترین علل طلاق را به ترتیب عدم مهارت‌های ارتباطی، بیماری‌های روانی، عدم بلوغ فکری، اعتیاد، عدم مسئولیت‌پذیری، تفاوت‌های فرهنگی، دانسته‌اند.

در نهایت، کلاتری و همکاران (۱۳۹۰)، با مرور سه دهه تحقیقات عوامل طلاق در ایران، به سه دسته عوامل کلی اجتماعی، اقتصادی و روانی دست یافته‌اند که مهم‌ترین آنها به ترتیب سن ازدواج و اختلاف سنی زوجین، سطح تحصیلات و تفاوت تحصیلات زوجین، مشکلات مالی و اقتصادی، عوامل خانوادگی، اعتیاد و جرم، عدم رعایت نقش‌ها، تعداد فرزندان و تفاوت عقاید زوجین، اختلالات روانی و ضعف در مهارت‌های رفتاری، شخصیتی، بیان شده است.

دین و مذهب از مهم‌ترین عوامل فرهنگی دخیل در کارآمدی خانواده است که ابعاد مختلف خانواده را متأثر می‌سازد. جهت‌گیری مذهبی افراد در سه شاخصه عقاید، مناسک و اخلاق، نقش مهمی در استحکام خانواده ایفا می‌نماید (آذربایجانی، ۱۳۸۰). جریگان و ناک، دین را مهم‌ترین عامل ثبات و پایداری در ازدواج و زندگی زناشویی می‌دانند (جریگان و ناک، ۱۹۷۸)؛ زیرا عمل به باورهای دینی، موجب افزایش مشارکت کلامی، افزایش میزان شادکامی، کاهش چشمگیر پرخاشگری کلامی و تعارض‌ها و اختلافات زناشویی شده، در نهایت، سبب افزایش رضایت زناشویی می‌شود (کیم و همکاران، ۲۰۰۴). لامبرت و دولاهیت با تحقیق بر روی ۵۷ زوج از سه مذهب (یهود، مسیحیت و اسلام)، نشان دادند که مذهب می‌تواند در سه جهت به فرایند کاهش تعارضات زناشویی کمک کند: ۱. حل تعارض، ۲. پیشگیری از وقوع مشکل، ۲. آشتی در روابط (لامبرت و دولاهیت، ۲۰۰۶). یافته‌های کاپینس و پلرین حکایت از آن دارد که مذهبی بودن والدین، از دو طریق بر نگرش منفی فرزندان به طلاق تأثیر می‌گذارد: با تأثیر بر دینداری فرزندان. هر اندازه فرزندان دیندارتر باشند؛ طلاق در بین آنها کمتر خواهد بود و نگرش به طلاق منفی‌تر خواهد بود (کاپینس و پلرین، ۲۰۰۸، ص ۸۰۱). با تأثیر بر دیدگاه والدین به طلاق، که این نگرش منفی والدین به طلاق در فرزندان هم تقویت می‌شود. همچنین فرزندان مذهبی، ارتباط قوی‌تری را با والدین خود گزارش کرده‌اند. این مطلب نشان می‌دهد که اعمال مذهبی بر ادراک رابطه فرزند-والد تأثیر می‌گذارد. نتایج پژوهش‌های اسمیت و همکارانش، بر روی ۷۴۵، ۱۱۶ نفر از تازه عروس و دامادها، از سال ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۸ نشان می‌دهد که احتمال وقوع طلاق در میان زوجینی که از دو فرهنگ و آداب و سنن و دین متفاوت هستند، بیشتر است؛ هر اندازه این تفاوت بیشتر باشد،

امکان وقوع طلاق بیشتر خواهد شد (اسمیت و همکاران، ۲۰۱۲، ص ۱۱۲۶). مک فارلین پژوهش‌های جامعی را در میان مسلمانان آمریکای شمالی انجام داده است (مک‌فارلین، ۲۰۱۲). وی نقش مذهب و دستورات دینی را در فرایند زندگی و طلاق مسلمانان توصیف کرده است و تأکید دارد که آموزه‌های اسلامی بیشترین تأثیر را در سبک زندگی مسلمانان دارد و پایبندی مسلمانان به حفظ خانواده را در راستای عمل به دستورات دینی قلمداد کرده است (جنکینز، ۲۰۱۳، ۱۳۵). یافته‌های فرتادو و همکارانش نشان داد که تفاوت‌های فرهنگی، نگرش‌ها و اعمال مذهبی بر نوع نگرش به طلاق تأثیرگذار است. نوع نگرش به طلاق نیز بر تصمیم به طلاق تأثیر می‌گذارد (فرتادو و همکاران، ۲۰۱۳، ص ۱۰۱۳). ریحانی و عجم (۱۳۸۱) دریافتند که عوامل مذهبی-اخلاقی، مهم‌ترین علت طلاق‌های شهر گناباد است، به گونه‌ای که می‌توان ۷۰ درصد از این طلاق‌ها را به عوامل مذکور نسبت داد. فاتحی و همکاران (۱۳۸۴) معتقدند باورهای مذهبی از مهم‌ترین عوامل کاهش طلاق در شهرهای یزد، اردکان و میبد است. از آنجاکه طلاق از منظر دین منفور است، افراد سعی می‌کنند تا حد امکان، از روی آوردن به طلاق اجتناب کنند. از سوی دیگر، پایبندی و التزام به موازین دینی مانع دیگر عوامل طلاق مثل اعتیاد، انحرافات اخلاقی و مشکلات جنسی می‌شود. علاوه بر این، دین راه و رسم همسررداری را به زوجین می‌آموزد.

رسانه‌ها از جمله تأثیرگذارترین ابزارهای ارتباط جمعی هستند که در شکل‌دهی ارزش‌ها و افکار اعضای خانواده ایفای نقش می‌کند. در این میان، ماهواره به‌عنوان یک رسانه مروج فرهنگ غرب در حال گسترش در فضای خانواده‌ها است. جای معتقد است که ماهواره به‌عنوان یک رسانه، قادر است ارزش‌های فردی اعضای خانواده را تحت تأثیر قرار دهد و معیارها و استانداردهای مرتبط با مسائل زندگی همچون معیارهای اقتصادی، سیاسی و اخلاقی را متزلزل سازد. این مسئله در ریشه‌های ناآرامی در بین اعضای خانواده، قابل مشاهده است (صالح، ۱۳۹۱، ص ۳۰). نتایج پژوهش سمیعی و همکاران (۱۳۹۱، ص ۲۱۶) نشان می‌دهد که ماهواره مخاطبان را در همه ابعاد فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی تحت تأثیر قرار می‌دهد. بیشترین تأثیرپذیری در ابعاد فرهنگی صورت پذیرفته به گونه‌ای که ۷۰ درصد بینندگان در مسائلی مانند روابط با جنس مخالف، ملاک‌های انتخاب همسر، شیوه پوشش، سبک زندگی و غیره در خود دگرگونی احساس می‌کردند. در بُعد اقتصادی موجب مصرف‌گرایی و خرید لوازم غیر لازم شده است. در بُعد سیاسی، بدبینی نسبت به سیاست‌های دولت، حکومت، رسانه‌های داخلی و سردرگمی نسبت به کشف واقعیات خارجی را در پی داشته است. در

بُعد اجتماعی هم کم اهمیت شدن ازدواج و بالا رفتن سن ازدواج، از مهم‌ترین تأثیرات ماهواره بر اعضای خانواده به شمار می‌آید. در این میان، شبکه‌های مروج سکس و پورنو بیشترین آسیب را به دنبال دارند. اولانگنجو با مرور پژوهش‌های انجام شده در مورد فیلم‌ها و تصاویر پورنو و سکس اذعان دارد که این برنامه‌ها تأثیرات مخربی بر روی زوجها و خانواده‌ها دارد و سلامت روانی اعضای خانواده را به مخاطره می‌اندازد (اولانگنجو، ۲۰۰۹). انحرافات جنسی و رفتارهای وسواسی جنسی، همسر آزاری جنسی، بخشی از آسیب‌ها است. همچنین وی تأکید می‌کند که نتایج برخی پژوهش‌ها نشان می‌دهد، پورنوگرافی آثار مخربی بر مغز انسان برجای می‌گذارد و آمارها حکایت از این دارد که تماشای این برنامه‌ها پیامدهای اجتماعی، عاطفی، معنوی، اخلاقی، جسمی، جنسی و روانی را برای اعضای خانواده به دنبال دارد. رومیو و بلترامینی دریافتند که این دسته برنامه‌ها، موجب افزایش خشونت می‌شود و دختران دانش‌آموز خانواده‌هایی که از پورنو تماشا می‌کنند، در معرض خشونت روانی، خانوادگی و خشونت جنسی بیشتری قرار دارند (رومیو و بلترامینی، ۲۰۱۱، ص ۱۳۱۳). آگان و پارمر دریافتند، ویژگی‌های شخصیتی، روان‌آزردگی، وسواس در چک کردن با تماشای پرنوگرافی رابطه مثبت دارند و زیاده‌روی در تماشای این برنامه‌ها، منجر به اختلال وسواس-اجباری می‌شود (آگان و پارمر، ۲۰۱۳، ص ۵۶۹). رایت معتقد است پژوهش‌های علمی و اجتماعی از منظر متخصصان مختلف صورت پذیرفته است (رایت، ۲۰۱۳، ص ۶۰). پورنوگرافی از دیدگاه فمینیست‌ها، ابزاری برای خشونت علیه زنان است. محققان دیگری در مورد آسیب‌پذیری مردان از تماشای پورنو ابزار نگرانی کرده‌اند. محققان بهداشت روانی در مورد عواقب رفتارهای جنسی مخاطره‌آمیز و ارتباطات مکرر جنسی بحث کرده‌اند. پژوهشگران اخلاق از ترویج ارتباط جنسی آزاد نگران‌اند؛ زیرا پورنوگرافی با رابطه جنسی زود هنگام در نوجوانان و روابط جنسی قبل از ازدواج و روابط جنسی خارج از چارچوب خانواده در افراد متأهل، ارتباط دارد. در جمع‌بندی می‌توان گفت: تماشای ماهواره عرصه‌های مختلف فردی، اجتماعی اعضای خانواده را متأثر می‌سازد و زمینه تعارضات زناشویی را فراهم می‌آورد و فروپاشی نهاد خانواده و طلاق را به دنبال دارد.

این یافته‌ها، حاکی از این است که پایبندی به آموزه‌های دینی و تماشای ماهواره، تأثیر زیادی بر روی ابعاد گوناگونی از زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی اعضای خانواده دارد. عدم پایبندی به دین و تماشای ماهواره از یک سو، مستقیماً بنیان‌های خانواده را سست می‌کند، از سوی دیگر، به طور غیرمستقیم، دیگر علل ناسازگاری زوجین و تعارضات زناشویی را فعال می‌سازد یا شدت می‌بخشد و

موجب شکل‌گیری و تقویت وقوع طلاق در خانواده می‌گردد. بنابراین، این پژوهش درصدد بررسی رابطه بین جهت‌گیری مذهبی و تماشای ماهواره با طلاق است و درصدد پاسخ به سه پرسش زیر است که رابطه جهت‌گیری مذهبی با طلاق چیست؟ رابطه تماشای ماهواره با طلاق چیست؟ چه میزان از پدیده طلاق را می‌توان از طریق جهت‌گیری مذهبی و تماشای ماهواره، پیش‌بینی نمود؟

روش پژوهش

این پژوهش از نوع مطالعه همبستگی است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از همبستگی اسپیرمن، و رگرسیون دو متغیره استفاده شد. نمونه پژوهش، شامل از ۲۶۲ نفر از متقاضیان طلاق در شهر کرمانشاه است که در اسفند ماه ۱۳۹۱ با روش نمونه‌گیری در دسترس، به‌طور داوطلبانه در پژوهش شرکت کرده‌اند. متقاضیان عمدتاً از افرادی بودند که خواهان طلاق توافقی بودند و ۱۳۳ نفر زن و ۱۲۹ مرد بودند. پرسش‌نامه‌ها به شرکت‌کنندگان ارائه گردید و توضیحات لازم به آنها داده شد. داده‌ها جمع‌آوری و پرسش‌نامه‌های کامل مورد استفاده قرار گرفت و داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS تجزیه و تحلیل شد. ابزارهای مورد استفاده عبارتند از:

پرسش‌نامه جهت‌گیری مذهبی: این پرسش‌نامه توسط آذربایجانی ساخته شده است. این آزمون با تکیه بر اسلام، از آیات و روایات شیعیان به‌عنوان منبع مورد استفاده قرار گرفته است که دارای دو مقیاس عقاید-مناسک و اخلاق است. پرسش‌نامه دارای ۷۰ سؤال است که دارای چهار گزینه کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم در آن بیان شده است. اعتبار محتوای آن از طریق توسط صاحب‌نظران و متخصصان علوم دینی به‌دست آمده است، اعتبار سازه آن نیز از طریق گروه نمونه ۳۸۷ نفر از دانشجویان دانشگاه تهران، دانشگاه آزاد تهران و طلاب حوزه علمیه قم مورد تأیید قرار گرفت. پایایی آزمون براساس ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۳۶ به‌دست آمده است. پژوهش دارای دو مقیاس عقاید-مناسک و اخلاق است که مجموعاً جهت‌گیری مذهبی اسلامی را می‌سنجد.

پرسش‌نامه طلاق: این پرسش‌نامه توسط هنریان، یونس (۱۳۹۰) ساخته شده است که ابتدا اطلاعات جمعیت‌شناختی در آن بیان شده است. سپس ۱۶ سؤال از علل شایع طلاق و مشکلات همسران در آن ذکر شده است. این پرسش‌نامه از روش چهار گزینه‌ای لیکرت استفاده شده است. در این پرسش‌نامه، عواملی نظیر رضامندی از ویژگی‌های شخصیتی، رضامندی کلی، رضامندی از نحوه ابراز عشق و مهارت‌های ارتباطی، رابطه جنسی، فرزندپروری، دخالت والدین، تطابق فرهنگی-مذهبی، اعتماد،

تعارضات و اعتیاد مورد بررسی قرار می‌گیرد. اعتبار این پرسش‌نامه از طریق ضریب آلفای کرونباخ برابر با $\alpha = 0/7$ است که اعتبار قابل قبولی است و در اجرای مذکور توسط محقق اعتباری برابر با $\alpha = 0/78$ به‌دست آمد. این پرسش‌نامه، در پژوهش‌های علل طلاق در دادگاه‌های خانواده تهران مورد استفاده قرار گرفته است.

مقیاس تک‌گویه‌ای تماشای ماهواره: شرکت‌کنندگان میزان آسیب‌پذیری زندگی‌شان از تماشای ماهواره را با پاسخ به یک گویه مشخص کردند که در آن از چهار گزینه کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم قرار داده شده است. روایی محتوای این گویه توسط کارشناسان ۰/۸۴ به‌دست آمد. اگر چه این تک‌گویه، میزان تماشای ماهواره را به صورت کم‌رنگ می‌سنجد، اما در فقدان مقیاس معتبر می‌توان مورد استفاده قرار گیرد که نمونه‌های آن در پژوهش‌های داخلی و خارجی مورد استفاده قرار گرفته است (دواس، ۱۳۷۶، ص ۲۴۶؛ آقابائی، ۱۳۹۱).

یافته‌های پژوهش

جدول شماره ۱، ضریب همبستگی اسپیرمن بین جهت‌گیری مذهبی و تماشای ماهواره با طلاق را نشان می‌دهد. ضریب همبستگی بین جهت‌گیری مذهبی با طلاق ($r = -0/198$) منفی و در سطح ۰/۰۱ معنادار است؛ یعنی هر چه نمرات جهت‌گیری مذهبی ارتقاء می‌یابد، نمره طلاق کاهش می‌یابد و بعکس هر چه نمره جهت‌گیری مذهبی کاهش یابد، نمره طلاق افزایش می‌یابد. همچنین، ضریب همبستگی بین تماشای ماهواره و طلاق ($r = 0/330$)، مثبت و در سطح ۰/۰۱ معنادار است. یعنی هر چه نمرات تماشای ماهواره ارتقاء می‌یابد؛ نمره طلاق هم افزایش می‌یابد.

جدول ۱. همبستگی جهت‌گیری مذهبی و تماشای ماهواره با علل طلاق

متغیر	جهت‌گیری مذهبی	تماشای ماهواره	علل طلاق
جهت‌گیری مذهبی	۱	-۰/۳۳۴**	-۰/۱۹۸**
تماشای ماهواره	-۰/۳۳۴**	۱	۰/۳۳۰**
علل طلاق	-۰/۱۹۸**	۰/۳۳۰**	۱

**ضرایب همبستگی در سطح ۰/۰۱ معنادار است.

**ضرایب همبستگی در سطح ۰/۰۵ معنادار است.

بر اساس تحلیل رگرسیون در جدول شماره ۲، جهت‌گیری مذهبی و تماشای ماهواره می‌توانند طلاق را پیش‌بینی کنند. به عبارت دیگر، جهت‌گیری مذهبی و تماشای ماهواره می‌توانند ۱۳ درصد از واریانس طلاق را در سطح معناداری ۰/۰۱، تبیین نمایند. همچنین ضریب بتای استاندارد شده نشان

می‌دهد که یک واحد افزایش در نمره جهت‌گیری مذهبی برابر با ۰/۱۳۱ واحد کاهش در نمره طلاق می‌باشد. از سوی دیگر، یک واحد افزایش در نمره تماشای ماهواره برابر با ۰/۲۹۴ واحد افزایش در طلاق می‌باشد. به نظر می‌رسد، ۸۷ درصد واریانس باقیمانده را باید در دیگر عوامل اجتماعی، اقتصادی و روانی جست‌وجو کرد (کلانتری، ۱۳۹۰).

جدول ۲. تحلیل رگرسیون دو متغیره و ضریب بتای استاندارد شده

مدل	ضرایب غیر استاندارد		ضرایب استاندارد	
	B	Sd	Beta	R2
جهت‌گیری مذهبی	-۰/۸۴۶	۰/۳۹۸	-۰/۱۳۱	۰/۱۳
تماشای ماهواره	۲/۳۷۴	۰/۴۹۹	۰/۲۹۴	۰/۱۳

متغیر ملاک: علل طلاق

بحث و نتیجه‌گیری

یافته اول پژوهش حکایت از این دارد که بین جهت‌گیری مذهبی و طلاق، در سطح ۰/۰۱، رابطه منفی معناداری وجود دارد؛ یعنی هر اندازه پایبندی مذهبی زوجین بیشتر باشد، شدت ناسازگاری زوجین و تعارضات زناشویی و نمره طلاق کمتر خواهد بود. بعکس، اگر پایبندی مذهبی زوجین کمتر باشد، ناسازگاری زوجین و تعارضات زناشویی فعال می‌گردد، یا شدت می‌یابد و موجب شکل‌گیری یا تقویت زمینه‌های وقوع طلاق در خانواده می‌گردد. یافته مذکور با نتایج پژوهش‌های پیشین همسویی دارد. جریگان و ناک دین را مهم‌ترین عامل ثابت و پایداری در ازدواج و زندگی زناشویی می‌دانند (کیم و دیگران، ۲۰۰۴). لامبرت و دولاهیت (۲۰۰۶) نشان دادند که مذهب می‌تواند تعارضات زناشویی را کاهش دهد. اسمیت و همکارانش (۲۰۱۲) و فرتادو و همکارانش (۲۰۱۳) دریافتند که احتمال وقوع طلاق در میان زوجینی که از دو فرهنگ و آداب و سنن و دین متفاوت هستند، بیشتر است. ریحانی و عجم (۱۳۸۱) نشان دادند که عوامل مذهبی، اخلاقی مهم‌ترین عوامل طلاق‌های شهر گناباد هستند. فاتحی‌زاده و همکاران (۱۳۸۴) معتقدند: باورهای مذهبی از مهم‌ترین عوامل کاهش طلاق در شهرهای یزد، اردکان و میبد است. سرانجام، هنریان و یونسسی (۱۳۹۰)، کلانتری و همکاران (۱۳۹۰) ضعف پایبندی به مذهب را یکی از علل طلاق به شمار آورده‌اند.

یافته مذکور را می‌توان چنین تبیین کرد که عمل به باورهای دینی، موجب افزایش مشارکت کلامی، افزایش میزان شادکامی، کاهش چشمگیر پرخاشگری کلامی و تعارض‌ها و اختلافات زناشویی شده،

در نهایت، موجب فزونی رضایت زناشویی می‌شود (کیم و همکاران، ۲۰۰۴). همچنین پیروی از دستورات مذهبی موجب حل تعارض، پیشگیری از وقوع مشکل، آشتی در روابط می‌گردد (لامبرت و دولاهیت، ۲۰۰۶). پیروی از اعتقادات مذهبی موجب ایجاد نگرش منفی به طلاق می‌گردد (کاپینس و پلرین، ۲۰۰۸). به‌عنوان نمونه، در آموزه‌های اسلامی، طلاق به‌عنوان مبعوض‌ترین حلال خدا نام برده شده است که توصیه شده جز شرایط خاص به کار گرفته نشود (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۶، ص ۵۴). از سوی دیگر، پایبندی و التزام به موازین دینی با تقویت خودمهارگری فرد، مانع شکل‌گیری عوامل طلاق مثل اعتیاد، انحرافات اخلاقی و مشکلات جنسی می‌شود. علاوه بر این، دین راه و رسم همسررداری را به زوجین می‌آموزد (فاتحی و همکاران، ۱۳۸۴). به‌عنوان نمونه، آموزه‌های اسلامی، شیوه انتخاب همسر، شیوه همسررداری، شیوه فرزندپروری و مهارت‌های لازم زندگی را به‌طور مفصل به پیروان خود می‌آموزد و با ترغیب به ازدواج، آن را مقدس‌ترین بنا در نزد خداوند معرفی می‌کند (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۰، ص ۱۵) و عوامل ناسازگاری و طلاق و راه‌های کاهش آنان را به پیروان خود می‌شناساند (حکیم و زاهدی‌فر، ۱۳۸۹). دین فضائل اخلاقی زیادی مثل صداقت، خوش‌بینی، قناعت، صبر، سخاوت را ترویج می‌دهد که در ثبات زندگی زناشویی نقش دارند. امید و گذشت، دو فضیلت اخلاقی مورد توصیه دین است که پژوهش‌ها نشان می‌دهند، رابطه معناداری با کاهش تعارضات زناشویی و طلاق دارند (نویدیان و بهاری، ۲۰۱۳) قرآن کریم پرورش این دو خصیصه را توصیه می‌کند (زمر: ۵۳؛ آل‌عمران: ۱۵۹). تقویت ایمان مذهبی، موجب حفظ عفت و پاکدامنی زوجین می‌شود و از شکل‌گیری ارتباطات خارج از روابط زناشویی و خیانت زوجین جلوگیری می‌کند (اگان و پارمر، ۲۰۱۳، ص ۵۷۰). به‌عنوان نمونه، قرآن کریم زنا را گناهی بزرگ و خطائی نابخشودنی توصیف می‌کند (اسراء: ۳۲). در نهایت، اگر خانواده بنا به عللی دچار آسیب شود؛ میزان آسیب‌پذیری و فروپاشی خانواده‌های پایبند به مذهب کمتر است از خانواده‌هایی که پایبندی ضعیفی به مذهب دارند.

یافته دیگر پژوهش این است که بین تماشای ماهواره و طلاق، در سطح ۰/۰۱، رابطه مثبت معناداری وجود دارد؛ یعنی هر اندازه تماشای ماهواره در خانواده بیشتر باشد، شدت ناسازگاری زوجین و تعارضات زناشویی و وقوع طلاق بیشتر خواهد بود. یافته دیگر اینکه، جهت‌گیری مذهبی و تماشای ماهواره می‌تواند ۱۳ درصد از واریانس علل طلاق را در سطح معناداری ۰/۰۱ تبیین نماید. این یافته‌ها، همسو با یافته‌های جای (صالح، ۱۳۹۱، ص ۳۰)، سمیعی و همکاران (۱۳۹۱، ص ۲۱۶)، اولانگنجو (۲۰۰۹)، رومیو و بلترامینی (۲۰۱۱)، اگان و پارمر (۲۰۱۳)، رایت (۲۰۱۳) که

معتقدند: برنامه‌های ماهواره و پورنوگرافی و فیلم‌های ضد اخلاقی، موجب فروپاشی بنیان‌های خانواده و آسیب به اعضای خانواده می‌گردد.

یافته مذکور را می‌توان چنین تبیین کرد: تماشای ماهواره مخاطبین را در همه ابعاد فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی تحت تأثیر قرار می‌دهد. در ابعاد فرهنگی در مسائلی مانند روابط با جنس مخالف، ملاک‌های انتخاب همسر، شیوه پوشش، سبک زندگی و غیره دگرگونی ایجاد می‌کند. در بُعد اقتصادی موجب مصرف‌گرایی و خرید لوازم غیر لازم می‌شود. در بُعد سیاسی بدبینی نسبت به سیاست‌های دولت، حکومت، رسانه‌های داخلی و سردرگمی نسبت به کشف واقعیات خارجی را در پی دارد. در بُعد اجتماعی هم موجب کم‌اهمیت شدن ازدواج و بالا رفتن سن ازدواج می‌گردد (صالح، ۱۳۹۱، ص ۳۰؛ سمیعی و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۲۱۶). تماشای ماهواره می‌تواند زمینه خیانت و روابط جنسی خارج از چارچوب خانواده، که یکی از علل طلاق است، در افراد متاهل را به وجود می‌آورد (رایت، ۲۰۱۳). از سوی دیگر، سلامت جسمی- روانی اعضای خانواده را به مخاطره می‌اندازد. اضطراب، اختلال وسواس- اجباری، آسیب‌های مغزی، خشونت روانی- جنسی از عواقب تماشای فیلم‌های پورنوگرافی است (رایت، ۲۰۱۳؛ آگان و پارمر، ۲۰۱۳، ص ۵۷۰) و براساس داده‌های آماری، تماشای این برنامه‌ها، پیامدهای اجتماعی، عاطفی، معنوی، اخلاقی، جسمی، جنسی و روانی را برای اعضای خانواده به دنبال دارد (اولاگنجو، ۲۰۰۹). در آموزه‌های دینی، از زنان و مردان مؤمن خواسته شده چشم‌های خود را از محرک‌های جنسی بپوشانند و علت این امر در روایتی از امام رضا^ع وارد شده است: نگاه‌های شهوت‌آلود حرام شده است؛ زیرا تحریک شهوت را به دنبال دارد. این امر موجب ارتکاب مفاسد گوناگون می‌شود و زمینه ورود در گناهان دیگر را فراهم می‌آورد (حر عاملی، ۱۴۰۹، ص ۱۹۴). در روایت دیگری، امیرالمؤمنان علی^ع می‌فرماید: «چشم فرو بستن از نگاه حرام، آرامش روانی را به دنبال دارد» (نوری، ۱۴۰۸، ج ۴، ص ۲۷۲).

این پژوهش، یک یافته جانبی هم دارد؛ بین جهت‌گیری مذهبی و تماشای ماهواره رابطه وجود دارد. ضریب همبستگی بین جهت‌گیری مذهبی با تماشای ماهواره (0/334- =r)، منفی و در سطح ۰/۰۱ معنادار است؛ یعنی هر چه نمرات جهت‌گیری مذهبی ارتقاء می‌یابد، نمره تماشای کاهش می‌یابد و بعکس، هر چه نمره جهت‌گیری مذهبی کاهش یابد، نمره تماشای ماهواره افزایش می‌یابد. به عبارت دیگر، افزایش پایبندی به مذهب کاهش تماشای ماهواره را به دنبال دارد. این نتیجه، همسو با یافته هاردی و همکاران (۲۰۱۳)، پایبندی مذهبی موجب حفاظت نوجوانان در برابر تماشای پورنوگرافی

می‌شود. این امر، به واسطه افزایش خودکنترلی، ایجاد نگرش منفی به پورنو و ایجاد نظارت اجتماعی، صورت می‌پذیرد (هاردی و همکاران، ۲۰۱۳، ص ۱۳۱). در روایت شریف امام رضا^ع ارتکاب گناه و زایل شدن ایمان از عوارض نگاه‌های حرام بیان شده است (حر عاملی، ۱۴۰۹، ص ۱۹۴).

در جمع‌بندی نهایی می‌توان چنین نتیجه گرفت: ضعف پایبندی مذهبی و تماشای ماهواره، دو عامل اساسی در بروز و تقویت تعارضات زناشویی و پدیده طلاق می‌باشند. این امر، همسو با بسیاری از پژوهش‌های به عمل آمده و براساس آموزه‌های ادیان الهی، به‌ویژه دین مبین اسلام است. پژوهش دارای محدودیت‌هایی هست. از جمله پژوهش در محیط دادگاه خانواده صورت گرفته که ممکن است شرایط روانی زوجین در نتایج داده‌ها تأثیرگذار باشد. همچنین، با توجه به ممنوعیت استفاده از ماهواره در کشور، ممکن است پاسخ‌های شرکت‌کنندگان با خود سانسوری همراه باشد. این امر، می‌تواند در نتایج پژوهش اثرگذار باشد. از این رو، لازم است تعمیم‌پذیری با احتیاط صورت پذیرد. با این وجود، نتایج این پژوهش را می‌توان در جوامع همسان دیگر، مثل خانواده‌های ناسازگار یا متقاضی طلاق تعمیم داد. اما پیشنهاد می‌گردد این تحقیق در جوامع دیگر مورد آزمون قرار گیرد تا امکان تعمیم‌پذیری بیشتر را فراهم سازد. همچنین، لازم است جهت تقویت پایبندی مذهبی خانواده‌ها و آشنایی اعضای خانواده با آسیب‌های ماهواره، متولیان امور خانواده، برنامه‌ریزان و رسانه‌های جمعی اهتمام بیشتری به کار گیرند و آموزش‌های لازم را به عمل آورند.

منابع

- Brown, S. L., & Lin, I. F., 2012, The gray divorce revolution: rising divorce among middle-aged and older adults, 1990-2010. *J.Gerontol.B Psychol.Sci*, v. 67, p. 731-741.
- Burns, A., 1984, Perceived cause of marriage breakdown and conditions of life, *Journal of Marriage and the Family*, v. 46, p. 551-562.
- Cleek, M., & Pearson, T., 1985, Perceived cause of divorce: an analysis of interrelationships, *Journal of Marriage and the Family*, p. 179-183.
- Devine, D., & Forehand, R., 1996, Cascading toward divorce: the roles of marital and child factors, *J.Consult Clin.Psychol*, v. 64, p. 424-427.
- Disney, K. L., & et al, 2012, Personality disorder symptoms are differentially related to divorce frequency, *J.Fam.Psychol*, v. 26, p. 959-965.
- Earp, B. D., & et al, 2012, Natural Selection, Childrearing, and the Ethics of Marriage (and Divorce): Building a Case for the Neuroenhancement of Human Relationships. *Philos.Technol*, v. 25, p. 561-587.
- Egan, V., & Parmar, R., 2013, Dirty Habits? Online Pornography Use, Personality, Obsessionality, and Compulsivity, *Journal of Sex & Marital Therapy*, null. Epub ahead of print.
- Furtado, D., & et al, 2013, Does Culture Affect Divorce? Evidence From European Immigrants in the United States, *Demography*, v. 50, p. 1013-1038.
- Ghayyur, T., 2010, Marriage: Conflict, Divorce in the Muslim Community: 2010 Survey Analysis. Copyright © 2010 Sound Vision Foundation.
- Glezer, H., 1994, Family backgrounds and marital stability, *Threshold*, v. 43, p. 16-19.
- Hardy, S. A., & et al, 2013, Adolescent religiousness as a protective factor against pornography use, *Journal of Applied Developmental Psychology*, v. 34, p. 131-139.
- Hellerstein, J. K., & et al, 2013, Business Cycles and Divorce: Evidence from Microdata, *Econ.Lett*, v. 118, p. 68-70.
- Jenkins, K. E., 2013, Islamic Divorce in North America: A Shari'a Path in a Secular Society, *Sociology of Religion*, v. 74, p. 135-136.
- Kapinus, C. A., & Pellerin, L. A., 2008, The influence of parents' religious practices on young adults' divorce attitudes, *Soc.Sci.Res*, v. 37, p. 801-814.
- Kim Y.M. & Others, 2004, Spirituality and affect. A Function of changes in Religious affiliation, *Journal of family psychology*, v. 37, p. 861-870.
- Kong, S. S., 2008, Impact of psychological factors on marital satisfaction and divorce proneness in clinical couples, *Taehan Kanho.Hakho.Chi*, v. 38, p. 550-560.
- Kong, S. S., 2010, Relationships between Myers-Briggs Type Indicator (MBTI) psychological type and marital satisfaction, divorce proneness, positive affect, and conflict regulation in clinic couples, *J.Korean Acad.Nurs*, v. 40, p. 336-348.
- Lambert, N. M., & Dollahite, D. C., 2006, How Religiosity Helps Couples Prevent, Resolve, and Overcome Marital Conflict, *Family Relations*, v. 55, p. 439-449.
- Navidian, A. & Bahari, F., 2013, The impact of mixed, hope and forgiveness-focused marital counselling on interpersonal cognitive distortions of couples filing for divorce, *J.Psychiatr.Ment.Health Nurs*, 20, 10, Epub ahead of print.
- آذربایجانی، مسعود، ۱۳۸۰، «آزمون جهت‌گیری مذهبی با تکیه بر اسلام»، *حوزه و دانشگاه*، سال هفتم، ش ۲۹، ص ۳۵-۶۰.
- آقابابائی، ناصر، ۱۳۹۱، «رابطه صداقت و فروتنی با شخصیت، دین و بهزیستی فاعلی»، *روان‌شناسی و دین*، سال پنجم، ش ۳، ص ۲۵-۴۰.
- حر عاملی، محمدبن حسن، ۱۴۰۹ق، *وسائل الشیعه*، قم، مؤسسه آل‌البیت.
- حکیم، منظر و بتول زاهدی‌فر، ۱۳۸۹، «علل طلاق و راهبردهای کاهش آن از دیدگاه قرآن»، *مطالعات راهبردی زنان*، سال سیزدهم، ش ۴۹، ص ۲۹۳-۳۴۸.
- دواس، دی ای، ۱۳۷۶، *پیمایش در تحقیقات اجتماعی*، ترجمه هوشنگ نابی، تهران، نی.
- ریحانی، طیبه و محمود عجم، ۱۳۸۱، «بررسی علل طلاق در شهر گناباد سال ۱۳۸۱»، *افق دانش*، سال دوم، ش ۸، ص ۹۶-۱۰۰.
- سازمان ثبت احوال کشور، ۱۳۹۲، بازیابی شده در ۱۳۹۲/۵/۲۰، از: <http://www.sabteahval.ir/default.aspx?tabid=6835>
- سمیعی، ابوذر و همکاران، ۱۳۹۱، «بررسی نقش برنامه‌های ماهواره‌ای در تغییر نگرش و ارزش‌های خانواده»، در: مجموعه مقالات کنگره بین المللی خانواده و جهانی شدن، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، پژوهشکده خانواده.
- صالح، زبیه، ۱۳۹۱، «تأثیر رسانه‌های گروهی بر خانواده»، در: مجموعه مقالات کنگره بین المللی خانواده و جهانی شدن، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، پژوهشکده خانواده.
- فاتحی‌زاده، مریم و همکاران، ۱۳۸۴، «بررسی تأثیر عوامل خانوادگی در پایین بودن آمار طلاق در شهرهای یزد، اردکان و میبد»، *مطالعات تربیتی و روان‌شناسی*، ش ۲۱، ص ۱۱۷-۱۳۶.
- کلاتری، عبدالحسین و همکاران، ۱۳۹۰، «مرور سه دهه تحقیقات علل طلاق در ایران»، *مطالعات راهبردی زنان*، سال چهارم، ش ۵۳، ص ۱۲۹-۱۶۲.
- کلینی، محمدبن یعقوب، ۱۳۶۵، *کافی*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- نوری، میرزاحسین، ۱۴۰۸ق، *مستدرک الوسائل*، قم، مؤسسه آل‌البیت.
- هنریان، مسعوده و جلال یونسی، ۱۳۹۰، «بررسی علل طلاق در دادگاه‌های خانواده تهران»، *مطالعات روان‌شناسی بالینی*، سال اول، ش ۳، ص ۸۹-۱۵۳.
- Amato, P., & Rogers, S., 1997, A longitudinal study of marital problems and subsequent divorce, *Journal of Marriage and the Family*, v. 59, p. 612-624.
- Barikani, A., & et al, 2012, The cause of divorce among men and women referred to marriage and legal office in Qazvin, Iran, *Glob.J.Health Sci*, v. 4, p. 184-191.

- Noller, P, & et al, 1997, Cognitive and affective processes in marriage, in Halford, K. & Markham, H. (eds) *Clinical Handbook of Marriage and Couples Interventions*, John Wiley and Sons, Chichester UK.
- Olagunju, A. O, 2009, Harmonizing the interests of free speech, obscenity, and child pornography in cyberspace: the new roles of parents, technology, and legislation for internet safety, *Scientific World Journal*, v. 9, p. 1260-1272.
- Romito, P, & Beltramini, L, 2011, Watching pornography: gender differences, violence and victimization. An exploratory study in Italy, *Violence Against Women*, v. 17, p. 1313-1326.
- Sarantakos, S, 1994, Trial cohabitation on trial, *Australian Social Work*, v. 47, no. 3, p. 13-25.
- Smith, S, & et al, 2012, Irreconcilable differences? Ethnic intermarriage and divorce in the Netherlands, 1995-2008, *Soc.Sci.Res*, v. 41, p. 1126-1137.
- White, L, 1990, Determinants of divorce: a review of research in the eighties, *Journal of Marriage and the Family*, v. 52, p. 904-912.
- Wolcott, I, & Hughes, J, 1999, Towards understanding the reasons for divorce, *Working paper* No. 20 June 1999, Australian Institute of Family Studies.
- Wolcott, I, 1984, From courtship to divorce: unrealised or unrealistic expectations, in *Proceedings*, v. 111, Marital Adjustment and Breakdown, Australian Family Research Conference, Australian Institute of Family Studies, Melbourne.
- Wright, P. J, 2013, U.S. males and pornography, 1973-2010: consumption, predictors, correlates, *J Sex Res*, v. 50, p. 60-71.

